

مشهدی باقر بقال از وکلای دوره اول تهران

۲۲ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۰۲

مشهدی باقر بقال رئیس اصناف تهران به مدت بیست ماه وکیل مردم در اولین دوره مجلس شورای ملی بود.

مشهدی اکبر کدخدا از کدخدایان اصناف تهران بود که در زمان مظفردالدین شاه به دلیل مخالفت با وضع یک مالیات جدید، از تهران تبعید شد و چون به تهران بازگشت در اثر بیماری درگذشت. در این زمان وضع مالیاتی سخت آشفته و نامرتب شده بود و شاهزاده فرمانفرما وزیر تهران از مرحوم مستشارالملک پیشکار و منشی مخصوص خود جوئیای حال مشهدی اکبر کدخدا شد و چون از فوتش آگاه گردید دستور داد که مشهدی باقر پسر مشهدی اکبر را مقام کدخدایی اصناف تهران بخشند و این حکم را مرحوم مستشارالملک تحریر و شاهزاده فرمانفرما امضاء می کند و با اعطای یک طاقه شال کشمیری او را به مسند کدخدایی اصناف می نشانند. پس از چندی که فرمانفرما برای جبران کسر بودجه در صدد برآمد بر انگور مالیات جدیدی ببندد و چون اصناف تهران حاضر به قبول این مالیات نبودند بین فرمانفرما و مشهدی باقر اختلاف نظر حاصل و ارتباط تیره می شود.

اصناف تهران جهت تظلم خواهی و رفع این مشکل به فکر چاره افتاده و در همان شب تمام سران اصناف تهران تحت لوای مشهدی باقر کدخدا الاغ سوار و قاطر سوار به طرف صاحبقرانیه، قصر ییلاقی مظفردالدین شاه رهسپار گردیدند و چون به کاخ رسیدند مظفردالدین شاه از دور که ازدحام را می بیند علت را جوئی می شود، می گویند اصناف جهت تظلم خواهی آمده اند. شاه دستور می دهد که اصناف، شب را در قصر به سر برده و صبح دو نماینده به حضور بفرستند. اصناف هم مشهدی باقر بقال و حاج کرمعلی کفاش را به عنوان نماینده انتخاب و روانه می نمایند.

مظفردالدین شاه فوراً دستور می دهد دستخطی بدین مضمون برای فرمانفرما وزیر تهران صادر کنند و به دست نمایندگان اصناف بسپارند: « نمایندگان اصناف به ما متظلمند و شما باید به قسمی رفتار کنید که رضایت خاطر ملوکانه فراهم گردد.»

فرمانفرما که از رفتن نمایندگان اصناف به صاحبقرانیه آگاه می شود صبح زود از تهران خارج می شود و به دیدن شاه می رود که در بین راه در کنار « باغ صبا » به نمایندگان اصناف که از نزد شاه مراجعت می کردند برخورد و مشهدی باقر بقال از فرصت استفاده و دستخط شاهی را تسلیم فرمانفرما می کند. فرمانفرما پس از خواندن دستخط با عصبانیت می گوید: « برگردیم و از این به بعد یا من باید حاکم باشم یا تو کدخدا » و مشهدی باقر بقال می گوید: « اینطور باشد اگر توانستم تلافی می کنم. » و از این به بعد روابط بین وزیر تهران و کدخدا تیره می شود.

پس از پیروزی انقلاب مشروطه به دلیل ارادتی که مشهدی باقر بقال به افرادی چون مرحوم احتشام السلطنه، علامیر، سید عبدالله بهبهانی و مرحوم صنیع الدوله و آقای تقی زاده داشت وارد « انجمن اعتدالی » شده و از قبول دعوت حاجی محمدتقی بنکدار مبنی بر رفتن به سفارت انگلیس امتناع ورزیده و می گوید: به خانه بیگانه پای نمی گذارم. پس از چندی از طرف حاج مخبرالسلطنه هدایت ناظر انتخابات تهرات اعتبارنامه ای را دریافت کرده و مدت ۲۰ ماه به عنوان وکیل تهران در اولین دوره مجلس شورای ملی که در اتاق نظام عدلیه تشکیل می شد شرکت می کرد.

در آن زمان معمول بود که علاوه بر وزیران، والیهای هر منطقه هم وارد مجلس می شدند و در جلسه ای که مرحوم ناصرالملک قراگوزلو به عنوان وزیر مالیه معرفی شده بود در مجلس بر علیه او اعتراضاتی به عمل آمد. شاهزاده فرمانفرما والی آذربایجان می شود و با ابهت و تکبر برای جلب نظر نمایندگان به مجلس می آید و مرحوم مشهدی باقر بقال وکیل آزادیخواه تهران موقع را جهت کشیدن انتقام مناسب دیده می گوید: « با آنکه در جلسه های قبل درباره وزارت مالیه آقای ناصرالملک ... مخالفت شد، امروز شاهزاده فرمانفرما می خواهند با استجازه از مجلس به آذربایجان رفته تا آنجا را تیول خود سازد. » در اثر این اعتراض مجلس متشنج و فرمانفرما مجلس را ترک می کند.

مشهدی باقر بقال از وکلای متدین و پاکدامن دوره اول مجلس به حساب می آمد. مرحوم ادیب الممالک فراهانی با اینکه اشعار تندی بر علیه اغلب وکلای مجلس سروده بود لیکن وی را ستوده و درباره او می گوید:

قربان سر مشهدی باقر ...

و آن همهمه و قال ...

می گویند محمدعلی شاه مخالف سرسخت مشهدی باقر بقال بود و برای کسی که دل و زبان او را به حضورش بفرستد پانصد تومان جایزه تعیین کرده بود. تا جایی که بعد از بمباران مجلس و دستگیری آزادیخواهان ... محمدعلی شاه باد به بروت انداخته و در موقع صرف ناهار می گوید: « آیا مشهدی باقر بقال (نماینده صنف بقال در مجلس) وکیل زورکی مجلس اجازه می دهد شاه مملکت ناهار را بخورد یا خیر » سپس قهقهه خنده را سر داد و در جایی دیگر گفته بود: « چرا باید من از مشهدی بقال ... دستور بگیرم؟ »

پس از آنکه محمدعلی میرزا در پی عزل از سلطنت، آماده خروج از ایران شد، حسین بیک تبریزی از مجاهدین آذربایجان فریاد زد: « دیدی بالاخره مشهدی باقر بقال اجازه نهار خوردن نمی دهد. » و بالاخره مشهدی باقر بقال (کدخدا) در سال ۱۳۲۰ در سن ۷۱ سالگی درگذشت. در حالی که وصیت کرد یکی از فرزندانش خدمتگذار مجلس گردد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۰۴۴/مشهد-پاقر-بقال-کلا-دوره-اول-تهران>